

## سمبل، رمز و نمادگرایی در اشعار شاعران و آثار نقاشان برجسته زن معاصر ( با بررسی عناصری چون: آب، باد و آتش و... )

### چکیده

سمبل و نماد یکی از روش‌های هنجارگریزی و آشنایی‌زدایی در شعر و نقاشی است. شاعران و هنرمندان با این شیوه معنا و مفهومی را که برای خواننده تکراری است، بیگانه می‌کند. بنابراین موجب گسترش معنای متن و تأویل‌پذیری آن می‌گردد. پیچیدگی و عدم صراحت در بیان، نمادپردازی آن را به یکی از هنری‌ترین صورخیال تبدیل کرده است. نمادپردازی از ویژگی‌های سبک‌شناسی شعر و هنر معاصر است و به‌منزله شیوه‌ای بین‌رشته‌ای در تحلیل متون و اشعار مورد استفاده قرار می‌گیرد. این رویکرد که از زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، نقد ادبی و ... بهره گرفته است، روشی کارآمد برای تجزیه و تحلیل است. تحلیل نمادپردازی آثار ادب فارسی می‌تواند زمینه‌ساز خوانشی تازه از آن‌ها و موجب فهم بهتر این متون شود. پژوهش حاضر، شناخت و کاربرد نمادگرایی و سمبلیزم در آثار شاعران برجسته زن معاصر همچون، عالم‌تاج قائم مقامی، ژاله اصفهانی، پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی، فروغ فرخزاد، طاهره صفارزاده و ... و زنان نقاش معاصر را با تمرکز به اندیشه‌های نام‌آوران این علم بررسی می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد فضای اجتماعی دوران معاصر زمینه را برای آفرینش اشعار نمادین و ابهام و چندمعنایی کردن آن به شاعران یاری رسانده و اکثر نمادها و نشانه‌ها و سمبولیسم‌ها دربرگیرنده مضامین اجتماعی است و انتقادهای جامعه‌شناسانه دارند.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی نماد و نمادگرایی در آثار زنان شاعر معاصر.
۲. بررسی نمادگرایی در آثار زنان نقاش معاصر.

### سؤالات پژوهش:

۱. آیا عنصری نمادینی چون باد و آب و ... در آثار شاعران زن در دوره معاصر چه جایگاهی دارد؟
  ۲. نمادگرایی در آثار زنان نقاش معاصر چه جایگاهی دارد؟
- کلیدواژه‌ها:** نماد و سمبل، شعر معاصر، زنان شاعر، زنان نقاش معاصر.

## مقدمه

شعر، هنر ملی ما ایرانیان است و انواع گوناگون آن از غنی‌ترین منابع فرهنگ ایرانی و نیز آیینۀ تمام‌نمای تاریخ، اجتماع و سیاست ماست. ذهن ایرانی به تخیل و احساسات بیش از برهان و منطق گرایش دارد. لذا، هنر ملی ما ایرانیان شعر است و شعر از آغاز تا امروز تأثیری عمیق در ذهن و زبان مردم ما داشته و دارد. وقتی صحبت از شعر معاصر می‌شود، یعنی شعر شاعران از دوره مشروطیت تاکنون، که پایه و زمینۀ کار در واقع بعد از شهریور ۱۳۲۰ فراهم شده است. می‌دانیم که «شعر دورۀ مشروطه با الهام‌گیری از تحولات سیاسی- اجتماعی پدید آمد و در شعر فارسی شیوه و شالوده‌ای نو در افکند» (منیب، ۱۳۷۸: ۵). رواج شعر فارسی بیشتر از دهۀ سی و چهل رونق گرفته، زمانی که احزاب سیاسی و فضاهاى اجتماعى با تعطیلی روزنامه‌ها به بن‌بست کشیده شد و روشنفکران و شاعران به درون خود سوق داده شده‌اند و یواش‌یواش نشانه‌هایی در شعر فارسی ظهور کردند که به آن‌ها سمبلیزم هم می‌گویند. بارزترین آن شعر نیمایی است که در دهۀ ۴۰ تثبیت می‌شود. خود تأثیرپذیری از سمبلیست‌های فرانسوی بود. وقتی شاعری چون اخوان ثالث از زمستان صحبت می‌کند، همگی می‌دانیم که زمستان سمبل و نمادی از اوضاع نابسامان و اختناق اجتماعی و سیاسی عصر خود اوست.

تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا نهضت مشروطیت، بیشتر تاریخ خواص و نخبگان جامعه بود. اکثر مردم، به خواندن و نوشتن توانایی نداشتند و ادب گفتاری و شنیداری بیش از نوشتاری و آثار منظوم بیش از آثار منثور در میان عامۀ مردم شایع بود. با پیشرفت روزافزون علوم انسانی، به‌ویژه در قرن‌ی که گذشت و با پیدایش مکاتبی همچون ساخت‌گرایی، نقش‌گرایی و صورت‌گرایی و ... در دل آن و خصوصاً رشد و بالندگی دانش نوین نشانه‌شناسی، بسیاری از رموز و دقایق زبان شعر، به شیوه‌ای نظام‌مند، کشف و تبیین شد. هم‌زمان، گسترش اندیشه‌های فلاسفۀ مدرن که بسیاری، فلاسفۀ زبان هم بوده و هستند؛ از جمله نیچر، هوسول، هایدگر، وینگشتاین، دریدا، ریکور، فوکو، دوسوسور و ... و رواج چشمگیر آرای زبان‌شناسان و منتقدین پرآوازه‌ای همچون رومن یاکوبسن، رولان بارت، نورتروپ فرای و ... به گشوده‌شدن بسیاری از معماهای زبان شعر منجر گردید.

این دانشمندان، بسیاری از مرزهای ثابت دیروز را درهم شکستند و نشان دادند که بسیاری از مسائل زبان، مسائلی سیال و نسبی‌اند و تابع ملاحظاتی که به تمامی عینی، صوری و یا ذهنی نیست. اما هنوز ناگفتنی‌ها در خصوص شعر، فراوان است و مقاله حاضر رهیافتی است نمادگرایانه در حوزه شعر زنان معاصر این سرزمین. همچنین در نزد نقاشان زن معاصر در ایران نیز مقولۀ نمادگرایی جایگاهی ویژه دارد. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر آثار کتابخانه‌ای به بررسی این مسئله می‌پردازد.

## نتیجه‌گیری

در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۰، زنان شاعر بسیاری پا به عرصۀ شعر پارسی نهادند. در این هفت دهۀ پرفراز و نشیب چه از لحاظ سیاسی و اجتماعی و چه از لحاظ ادبی و هنری، ظهور نیما و شعر نیمایی و همچنین تغییر و تحولاتی که در زمینۀ جایگاه زنان در جامعه آن سال‌ها به‌وجود آمده بود در شعر شاعران این دوران و بالاخص زنان شاعری که کم‌کم امکان حضور و جسارت بیان خود را می‌یافتند، تأثیر چشمگیر و غیرقابل انکاری داشته است. از میان زنان شاعر این دوران، شعر شاعرانی چون: بانو شمس‌جهان کسمایی، عالم‌تاج قائم‌مقامی، ژاله اصفهانی، پروین اعتصامی، پروین دولت‌آبادی، سیمین بهبهانی، فروغ فرخزاد، طاهره صفرازاده و از متأخرین نازنین نظام‌شهیدی شاخص‌هایی از

شعر زنان معاصرند که در ایجاد جریان‌های شعری، نقشی اساسی و تأثیری درخور توجه داشته‌اند. هم‌زمان با بروز جریان شعر مدرن، مهم‌ترین جریان شعری آن دوران یعنی جریان شعر زنانه نیز در حال شکل‌گیری و تکامل بود. این جریان که با ظهور فروغ فرخزاد در عرصه ادبیات ایران، به‌وجود آمد، پرقدتر از هر جریان دیگری مسیر خود را تا به امروز ادامه داده است؛ جریانی که چاووشی خوان آن ژاله قائم مقامی بوده است. فروغ نخستین زنی است که توانست از منظر یک زن به جهان بنگرد و آنچه را که م‌بیند در شعرش به انعکاس درآورد. او اندیشه‌ها، احساسات و رؤیاهای یک زن ایرانی را به تصویر می‌کشد و افق‌های تازه‌ای را در برابر شاعران زن پس از خود می‌گشاید. او واژگان ممنوعه را از حصار تازیانه به دستان بیرون می‌کشد و در اختیار سایر شاعران زن قرار می‌دهد تا بیاموزند که نترسند، تجربه کنند و بتوانند آنچه را درک و احساس می‌کنند همان‌گونه بیان نمایند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که زنان شاعر معاصر در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۰، موجد جریان‌های شعری مهم و تأثیرگذاری در ادبیات معاصر ما بوده‌اند؛ جریان‌هایی که پس از انقلاب نیز به حیات و انشعاب خود - برخی کم‌تر و برخی بیشتر - ادامه داده‌اند.

امروزه شاهد رویکردهای مختلفی به ادبیات هستیم که می‌توانند در پیچه‌های جدیدی برای شناخت هرچه بیشتر شعر و ادب فارسی بگشایند. یکی از این رویکردها نمادپردازی است که به شاخه‌های گسترده‌ای همانند نمادپردازی طبیعی، اساطیری، مذهبی و... قابل تقسیم است. در این پژوهش نمادهای مختلف را در مجموعه دفترهای شعری قابل دسترس شاعران زن (گروه‌های هدف) مورد بررسی قرار گرفت. بررسی نمادها در ده‌ها دفتر شعری نشان می‌دهد که استعاره با بسامد بالاتری نمادهای شعری شاعران را به خود اختصاص داده است. بعد از آن کنایه و مجاز موردهای بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. در این پژوهش هدف این بود که رویکردها و اصطلاحات نمادپردازی را در شعر شاعران زن صاحب سبک و تأثیرگذار و برجسته معاصر را از دوری مشروطه تا دوره‌ی معاصر (دهه هفتاد) بررسی کنیم و به تحولاتی که در طول این دوران در شعر آن‌ها ایجاد شده است نگاهی بیاندازیم. این کار با بررسی سمبل‌ها و نمادهای شعر صورت گرفته است و دانستیم که زبان در همه دوره‌ها شکل و صورت مردانه‌ای دارد و از آنجا که مردان تولیدکننده اصلی آثار ادبی و نوشتاری بوده‌اند، سنتِ مردم‌محور زبانی را ایجاد کرده‌اند. لاکان فیلسوف و روانکاو فرانسوی با ایده «بازگشت به فروید» ناخودآگاه را با تأثیر از زبان‌شناسی فردینان دو سوسور به‌صورت یک زبان ساختاربندی شده مطرح کرد. او بر سه امر خیالی، نمادین و امر واقعی قائل شد. اساساً شعر اولین جایی است که زن ایرانی می‌توانست و می‌تواند به‌وسیله آن خود را مطرح کند.

پیشینه شعری قدرتمندی در جامعه ما وجود داشت و مردم نوعی احترام ویژه برای شاعران قائل بودند. اما همین پیشینه، یک نوع سنت ادبی قدرتمند مردانه ایجاد کرد که زنان در شروع کار، کم‌تر قادر به درگیری یا مقاومتی در برابر آن بودند و خود از همان معیارها پیروی کردند، زیرا ارزش‌ها و معیارهای زبانی مردانه را درونی‌سازی کرده‌اند و خواسته و ناخواسته در جهت آن قرار می‌گیرند. از طرفی زنان در حیطة گسترده‌ای از تابوها قرار داشتند که شکستن و عبور از آن‌ها جرأت و جسارتی ویژه را طلب می‌کرد. هرچند تفاوت‌های فردی بین زنان را هم باید دید. همین تفاوت‌هاست که باعث می‌شود در این دوره شاعری همچون ژاله قائم‌مقامی تا این حد از دغدغه‌های زنانه‌اش در شعر سخن می‌گوید و شاعر دیگری مانند پروین اعتصامی با اینکه از نظر سنی هم کوچک‌تر است و تسلط بهتری بر زبان دارد، به هیچ عنوان کوچک‌ترین جرأتی در این باره ندارد. در مجموع شاعران زنی که به امور شخصی و تجربیات فردیشان پرداخته‌اند، نسبت به شاعران زنی که به عمومیت مردانه تن داده‌اند، زنانه‌تر سروده‌اند. و نمادهای شعریشان قوی‌تر و جالفتاده‌تر و دامنه آن همه‌گیرتر شده است. توجه به شخصی‌ها و عواطف و احساسات فردی همان راهی است که رمانتیک‌ها

پیموده‌اند و از آن برای روبه‌رو شدن با سنت‌های ادبی بهره برده‌اند. این امر بر خلاقیت‌ها می‌افزاید و به شخصیت مستقل ارج می‌گذارد. در آثار نقاشان زن معاصر نیز نمادهایی چون نور، آتش، خاک و آب بسیار دیده می‌شود.

### فهرست منابع و مآخذ:

- آشوری، داریوش. (۱۳۷۳). شعر و اندیشه. تهران: نشر مرکز.
- احمدی، بابک. (۱۳۷۰). ساختار و تأویل متن. ج اول، تهران: نشر مرکز.
- اصفهانی، ژاله. (۱۳۸۴). مجموعه اشعار (دفتر اول). تهران: نشر نگاه.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۸۷). مجموعه اشعار، چاپ چهارم، تهران: نشر نگاه.
- امین، سیدحسن. (۱۳۸۴). ادبیات معاصر ایران، تهران: انتشارات دایره‌المعارف ایران‌شناسی.
- ابراهیمی، مختار. (۱۳۹۳). «بررسی و نقد تمثیل‌های شعر پروین اعتصامی». بهارستان سخن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، شماره ۲۶، ۲.
- امیدعلی، حجت‌اله؛ ذوالفقاری، محسن. (۱۳۹۲). «نمادپردازی در چند شاعر نو و مقایسه آن‌ها با هم». ماهنامه بهار ادب (فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر)، تهران، شماره اول (شماره پیاپی ۱۹)، ۱۸۹-۲۰۴.
- بختورتاش، نصرت‌الله. (۱۳۹۲). تاریخ پرچم ایران (درفش ایران از باستان تا امروز). چاپ پنجم، تهران: انتشارات بهجت.
- بهبهانی، سیمین. (۱۳۷۲). خطی ز سرعت و آتش. تهران: انتشارات سخن.
- بهبهانی، سیمین. (۱۳۸۸). مجموعه اشعار. چاپ سوم، تهران: انتشارات نگاه.
- پورخالقی چترودی، مهدخت. (۱۳۷۶). پیوند عزی و آناهیتا یا پیوند درخت و آب، مشهد: نشر فرهنگ.
- پورنامداریان، تقی و همکاران. (۱۳۹۱). «بررسی و تأویل چند نماد در شعر معاصر». فصلنامه ادبیات پارسی معاصر، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره اول، ۴۸-۲۵.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۰). در سایه آفتاب (جلد اول). تهران: انتشارات سخن.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۹). رمز در داستان‌های رمزی در ادب فارسی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رامیار، رامک، عباسی، حبیب‌الله. (۱۳۹۹). «بررسی نشانه‌های دینی در شعر فروغ فرخزاد با استفاده از نظریه نشانه‌شناسی پیرس». فصلنامه متن پژوهشی ادبی (انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی)، دوره ۲۴ شماره ۸۶، ۱۹۰-۱۶۳.
- رحمانیان، زینب، عدل‌پور، لیلا. (۱۳۹۹). «نمادگرایی در اشعار فروغ فرخزاد». قندپارسی (فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی)، شماره ۶، ۱۱۲-۹۵.
- رحمن، منیب. (۱۳۷۸). شعر دوره مشروطیت، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: نشر روزگار.
- دُرزاده، فرحان. (۱۳۹۹). «نقش نماد در ادبیات معاصر». پژوهشنامه اورمزد، هرمزگان، ۱۵۲-۱۳۹. حق‌شناس، محمدعلی. (۱۳۷۳). «نظم و نثر و شعر: سه گونه ادب». مجموعه مقالات دومین همایش زبانشناسی نظری و کاربردی». تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۱۴-۱۰۱.

خواجهات، بهزاد. (۱۳۹۲). «شعر مؤنث (نقش شاعران زن در شعر امروز ایران)». فصلنامه علمی- پژوهشی زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، شماره ۱۵، ۲۰-۹.

سلیمانی، بهزاد. (۱۳۷۱). بارورتر از بهار. تهران: نشر دنیای مادر.

شادمنامن، محمدرضا و همکاران. (۱۳۹۸). «تحلیل استعاری آب و آیین در اشعار بیدل». مجله زیباشناسی ادبی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، شماره ۴۲، ۲۲-۱.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۳). موسیقی شعر. چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگه.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۷). فرهنگ اشارات، تهران: انتشارات فردوسی.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۵). نقد ادبی. تهران: انتشارات میترا.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). نگاهی به فروغ فرخزاد. چاپ سوم، تهران: انتشارات مروارید.

شوالیه، ژان و آلن گریبان. (۱۳۷۸). فرهنگ نمادها. جلد ۱ و ۳، ترجمه و تحقیق: سودابه فضاییلی، تهران: انتشارات جیحون.

صفارزاده، طاهره. (۱۳۶۶). دیدار صبح (گزیده اشعار). شیراز: انتشارات نوید.

صفارزاده، طاهره. (۱۳۵۶). سفر پنجم. چاپ دوم، تهران: انتشارات حکمت.

صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۷). طنین در بیداری (گزینه اشعار). تهران: انتشارات تکا.

علی اکبری، نسرين. (۱۳۸۳). «ژرف ساخت اساطیری بعضی از تلمیحات خاقانی (برگرفته از مجموعه مقالات: نمود نظریه‌های مدرن در ادبیات کلاسیک». همایش ادبی فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد، ۱۹۴-۱۹۱.

عفیفی، رحیم. (۱۳۸۳). اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی. چاپ دوم، تهران: انتشارات توسل.

فتحی، مریم. (۱۳۸۳). کانون بانوان. تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران.

فتوحی، محمود. (۱۳۸۶). بلاغت تصویر. تهران: انتشارات سخن.

فرخزاد، فروغ. (۱۳۷۷). ایمان بیاوریم در آغاز فصل سرد. تهران: نشر به‌آدین.

فرخزاد، فروغ. (۱۳۵۶). تولدی دیگر. تهران: انتشارات مروارید.

فرخزاد، فروغ. (۱۳۸۳). مجموعه اشعار. تهران: انتشارات شادران.

فروهوشی، بهرام. (۱۳۷۹). ایرانویج. چاپ پنجم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

قاسمی، رحمت‌الله، صفری، جهانگیر. (۱۳۹۳). «بررسی جلوه‌ها و نمادهای پایداری در شعر ژاله اصفهانی». ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۲، ۲۳۹-۲۱۷.

کالر، جانانان. (۱۳۸۸). در جستجوی نشانه‌ها (نشانه‌شناسی، ادبیات، واسازی). ترجمه: لیلا صادقی و تینا امرالهی، تهران: نشر علم.

- کرتیس، وستاسرخوش. (۱۳۷۳). اسطوره‌های ایرانی. ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- کزآزی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۷). رؤیا، حماسه، اسطوره. چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
- محمودی، مریم. (۱۳۹۶). «رابطه نمادین فروغ فرخزاد در کهن‌الگوهای شعر تولد دیگر». فصلنامه بهارستان سخن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، شماره ۲۷، ۱۶۷-۱۴۹.
- منیب، الرحمن. (۱۳۷۶). شعر دوره مشروطه. ترجمه: یعقوب آژند، تهران: نشر روزگار.
- میت‌فورد، میراندابروس. (۱۳۸۸). نمادها و نشانه‌ها در جهان. ترجمه: ابوالقاسم دادور، تهران، انتشارات کلهر و دانشگاه الزهراء.
- میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۶). واژه‌نامه هنر شاعر (فرهنگ تفضیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن)، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتاب مهناز.
- نظام‌شهبیدی، نازنین. (۱۳۷۷). اما من معاصر بادها هستم. مشهد: نشر نیکا.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. چاپ سوم، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- یحیی‌زاده، مژگان. (۱۳۹۳). سرچشمه اسطوره‌ها و خدایان در شاهنامه فردوسی. قزوین: انتشارات جهاد دانشگاهی استان قزوین.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۴). انسان و سمبولهایش. ترجمه: محمود سلطانیه، تهران: انتشارات جامی.